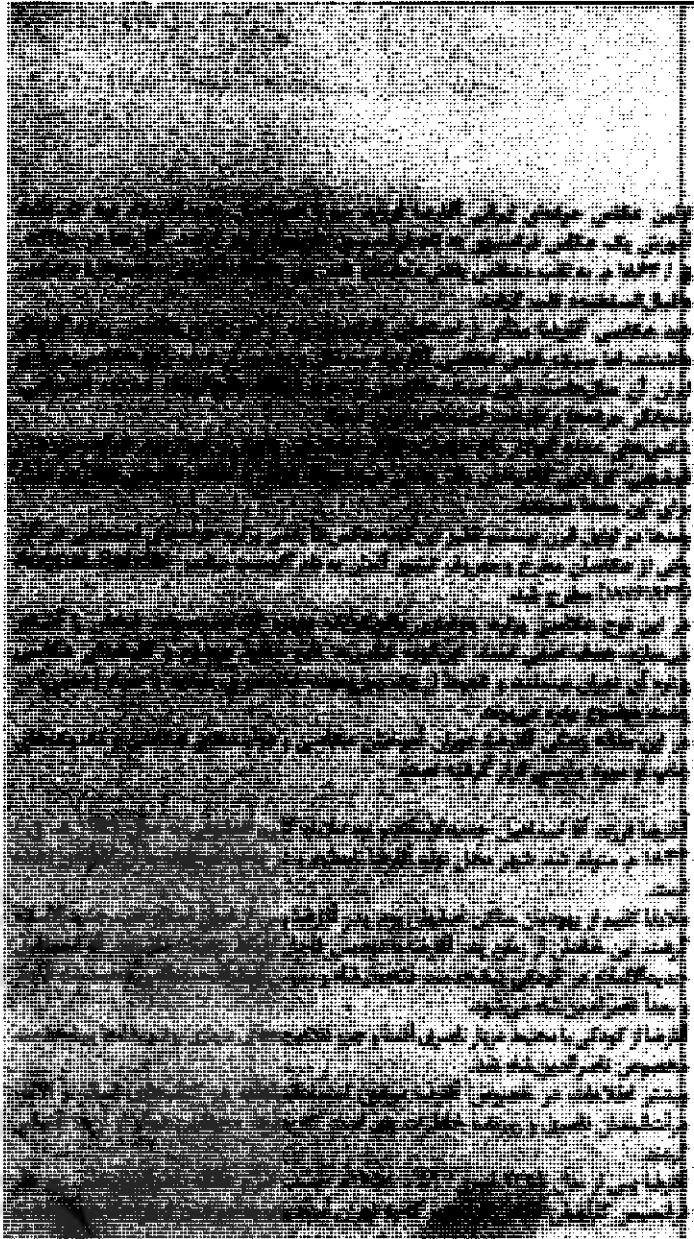




پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسال جامع علوم انسانی

آقارضا



مبارک‌نشین

و چون در این فن مهارت یافت، طی فرمان ناصرالدین شاه در ۱۲۸۰ قمری ملقب به «عکاس‌باشی» شد. (۱) ترتیب القاب و سمت‌های بعدی وی به نقل از روزنامه شرف، سال سوم، شماره ۲۳ (ذیقعه ۱۳۰۲ قمری) صفحات ۳ و ۴ از این قرار است

کسب مهارت در «صنعت عکاسی» ملقب به «عکاس‌باشی» در سال ۱۲۸۰ کسب لقب «آجودان مخصوص و خزانه‌داری صرف جیب مبارک» در سال ۱۲۹۰ واگذاری «اداره کل توپ‌های ممالک محروسه» به وی در سال ۱۲۹۹ عهده‌دار «وزارت قورخانه» دولت در سال ۱۳۰۱ عهده‌دار «اداره بارو و کوبی»، «شوره‌بزی» [و] «گوگردسازی» کل ممالک محروسه در سال ۱۳۰۲ (قاسمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۱۵۷).

آقارضا شش سال برای آموختن عکاسی زحمت کشید (ستاری، ۱۳۸۲، ۳۲۳). اقدام بعدی ناصرالدین شاه برای گسترش عکاسی آن بود که در کاخ گلستان، ساختمانی را برای فعالیت‌های هنری و فنی آقارضا اختصاص دهد. در جلد سوم مرآت‌البلدان صفحه‌های ۲۱ و ۲۲ چنین می‌خوانیم:

«... [ناصرالدین شاه] از برای انتشار این علم و وسعت درین علم، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارکه فرموده و گاهی که از کارها فراغت حاصل می‌فرمودند، برای تماشا و ترقی این عمل به آنجا تشریف می‌بردند...» (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).

مقرر بود اولین عکاس حرفه‌ای ایران تحت امر و فرمان شاه از هر آنچه او می‌خواست و مقرر می‌کرد، (البته با حفظ تلبوها از سوی آمر و مأمور) عکس بردارد:

«... چون خاطر خطیر همایون به رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات... بر این علم اطلاع یافته بر آن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز در این فن مهارتی تمام یابد که سفرها و حضراً به موجب امر ملوکانه آشنا و غریبه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد... در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان و مازندران و کرمان و کرمانشاه و سایر امکن و اینیه قدیمه و آثار بعیده را عکس برداشته و مرقع ساخته به حضور مبارک تقدیم می‌نمودند که الان هم در حضور همایون است...» (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).

آقارضا عکاس‌باشی اولین ایرانی بود که از بقاع متبرکه همچون حرم و بارگاه قدسی حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس عکاسی کرد. وی چند ماه قبل از سفر به عنایت عالیات (که از ۲۵ جمادی‌الثانی تا ذی‌الحجه ۱۲۸۷ صورت پذیرفت) عباسعلی بیگ شاگرد خویش را روانه آنجا ساخت تا از آثار و اینیه آن مکان و بین راه عکس بگیرد.



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آقارضا پس از بازگشت عباسعلی بیگ، شیشه‌های عکاسی دستمایه سفر را شخصاً چاپ کرده، آلبوم ساخت و به مهدعلیا مادر شاه تقدیم کرد. بنابراین نیاپستی عکاسان این دو سفر را یکی فرض کرد. آلبوم‌های شماره ۳۸ و ۱۶۸ کاخ گلستان رهاورد سفری است که آقارضا به همراه شاه به کرپلا داشته (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۳) و آلبوم دیگر به شماره ۲۹۳ که ۱۰۱ عکس دارد. حاصل سفر عباسعلی بیگ به آن خطه (پایان سفر در ماه صفر ۱۲۸۷ قمری) است. اما عکس‌های هر دو سفر توسط آقارضا عکاس‌یاشی چاپ شده‌اند. یحیی ذکاء تعداد عکس‌های چاپ شده از سوی آقارضا را ۷۹۱ قطعه می‌داند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۸).

آقارضا در سفر نخستین ناصرالدین شاه به فرنگستان در ۱۲۹۰ هـ. ق / ۱۸۷۳ م جزو همراهان بود و یحیی ذکاء و ایرج افشار هر کدام دو عکس مختلف اما در یک مکان را در کتاب‌های خویش آورده‌اند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۳ و نیز افشار، ۱۳۷۱، ۴). اما نکته قابل ذکر آن که افشار در عکس منبزر آقارضا را نریمان خان قوام‌السلطنه نامیده است (همان). در سفر دوم فرنگستان ۱۲۹۵ قمری / ۱۸۷۸ میلادی نیز دیگر بار آقارضا جزو ملتزمین رکاب بود. یحیی ذکاء متذکر می‌شود آقارضا ضمن سفر به کشورهای گوناگون از مناظر و همراهان شاه عکس‌های فراوان گرفته که برخی از آن‌ها در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه جسیانیده یا چاپ شده و برخی نیز در آلبوم‌ها و یا در دست اشخاص است (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۴) اما سندی برای این ادعا ارائه نشده است.

آقارضا بر اثر استعداد ذاتی و هوش و درایت خویش، مراحل ترقی را یک به یک طی کرد. و در سال‌های آخر عمر که کمتر به عکاسی اشتغال داشت به مناصب و مقام‌های مهم دولتی دیگر دست یافت: ریاست «اداره کل توپ‌های ممالک محروسه» در ۱۲۹۰، وزارت قورخانه در ۱۳۰۱ و مدیریت ادارهای باروت‌کوبی، شورپزی و گوگردساری در ۱۳۰۲ بر عهده وی نهاده شده بود. در همین سال والاترین لقب درباری یعنی اقبال‌السلطنه از سوی شاه به او واگذار شد. القابی که پسوند «سلطنه» دارند. شاخص‌ترین القاب دوره ناصری هستند (کارلا سرنا، ۱۳۶۳، ۱۲۵) و نیز (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۱۴۵).

نهایت تویخانه در ۱۳۰۴ و ریاست تویخانه در ۱۳۰۶ قمری، رسیدگی به همه امور حاصل از این مقام وزارت قورخانه را داشت به او محول شد. رسیدگی به همه امور حاصل از این مسئولیت‌ها اوقات وی را کاملاً به خود اختصاص می‌داد و او دیگر از سمت اولیه «عکاس‌یاشی» مخصوص شاه فاصله گرفته بود. مثلاً در مقام وزیر قورخانه به اتفاق مترجم و شاید وزیر امور خارجه در تهران با سفرهای کشورهای آلمان، اتریش و آمریکا دیدار داشت (ولایتی، ۱۳۷۸، صص ۲۱۶، ۲۱۹).

در یادداشت‌های منتشر نشده ناصرالدین شاه ذیل وقایع روز دوشنبه ۲۱ شوال ۱۳۰۲ قمری چنین آمده است:

«اجودان مخصوص [آقارضا]، حکیم‌الملک و... [دیگران] نشستند. کاغذ زیادی داشتیم [...] خواندند و نوشتیم» (بدیعی، ۱۳۷۶، ۲۶)

وقایع روز سه‌شنبه غره شوال [۱۳۰۲ قمری] : «امروز پیش از این که مادبان‌ها را بیاورند، میرزا حسینعلی عکاس [عکاس دیگری به جز آقارضا] آمد، هوای صاف خوبی بود. کوه دماوند یک لکه ابر نداشت. عکس کوه دماوند را انداخت. خوب گرفت. عکس ما را هم دو شیشه انداخت. عکس اطراف را هم انداخت.» (همان، ص ۲۴)

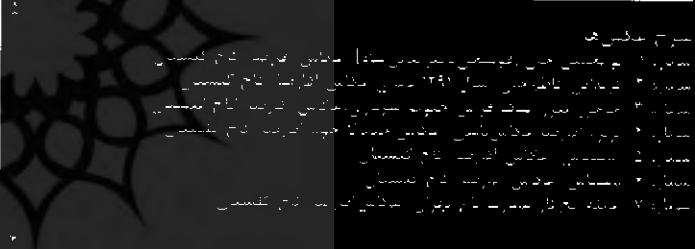
«در ماه صفر ۱۳۰۴ هـ. ق / نوامبر ۱۸۸۶ م میرزا حسین خان نصرالملک رئیس تشریفات وزارت امور خارجه به عنوان مهماندار در رأس هیأتی برای استقبال اسپنسر پرات وزیر مختار جدید آمریکا رهسپار بندراترزی گردید. پرات و همراهان با تشریفات رسمی در انترلی و رشت و قزوین مورد استقبال و پذیرایی قرار گرفته روز ۲۵ صفر وارد تهران شدند... روز بعد اقبال‌السلطنه وزیر قورخانه و صنایع‌الدوله [اعتمادالسلطنه بعدی] مترجم مخصوص همراه مستشار وزارت امور خارجه و میرزا عبدالله خان سرتیب در سفارت آمریکا به دیدار پرات رفتند و روز ۲۷ صفر پرات نزد شاه بار یافت.» (ولایتی، ۱۳۷۵، ۲۱۲)

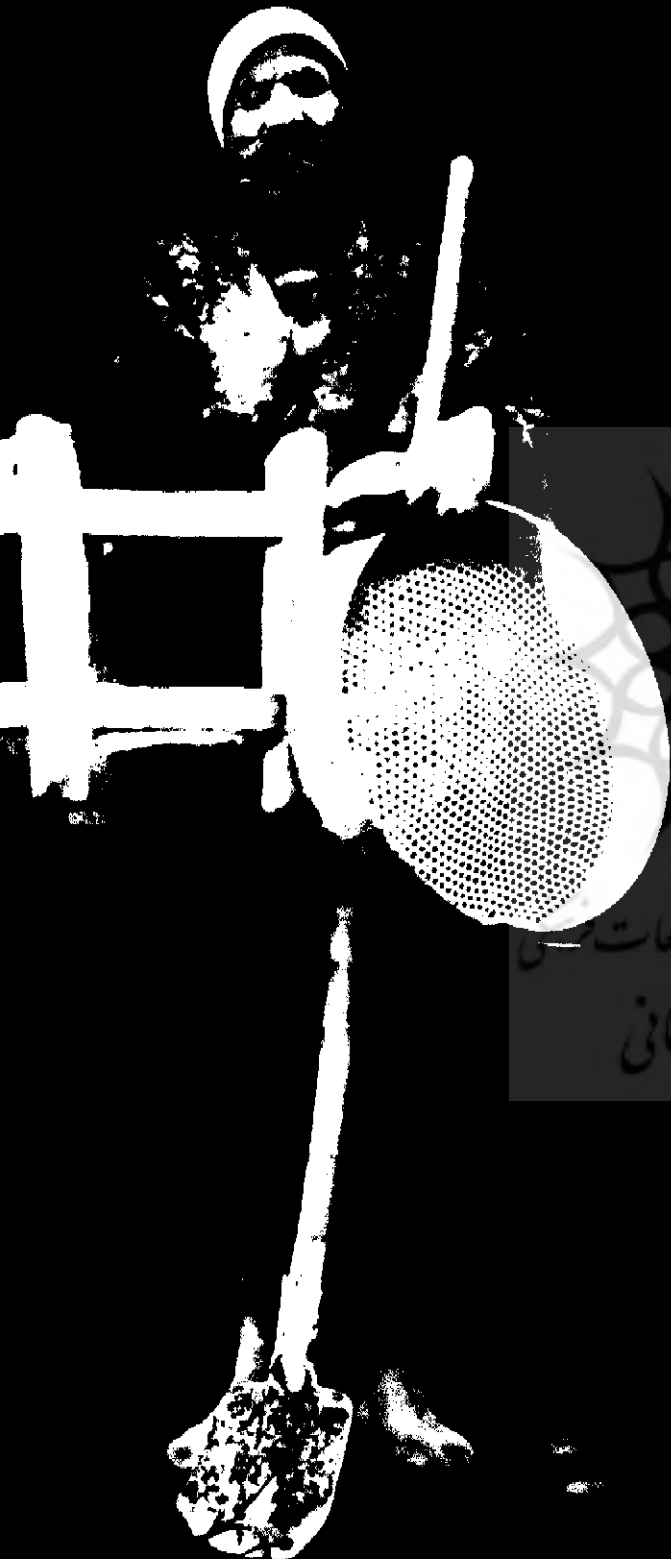
سهام‌الدوله بجنوردی در سفرنامه خویش در روزهای ۱۹ و ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۰۷ به عکس گرفتن و عکاسی اشاره دارد در حالی که هیچ اشاره‌ای به نام اقبال‌السلطنه نمی‌کند. اما در خاطرات روزهای ۲۶ و ۲۹ ربیع‌الآخر همان سال از اقبال‌السلطنه امیر تویخانه و برادرش حکیم‌الممالک نام می‌برد و ذکری از این که مثلاً عکاس همان اقبال‌السلطنه بوده نمی‌کند:

«روز شنبه نوزدهم [جمادی‌الاول، تهران، کاخ گلستان، ۱۳۰۷] ... فراش آمد که شاه [مرا] می‌خواهد. لباس نیم رسمی پوشیده رفتم میان باغ گلستان. اعلیحضرت شهریاری ارواحنا فداه کنار حوض ایستاده. تمام وزرا بودند. عکاس سه رأس شکار که دیروز به شست مبارک صید شده بود می‌انداخت. بعد از اتمام عکاسی قیله عالم مرا خواستند.» (روشنی زعفرانلو، ۱۳۷۴، ۶۸)

«روز دوشنبه بیست و یکم [جمادی‌الاولی، ۱۳۰۷] ... ناهار خوردیم. سه به غروب مانده حضرات رفتند. من با سرکار آجودان‌یاشی به عکاسخانه رفتیم. چند شیشه عکس انداختند. امیدم منزل...» (همان، ص ۶۹)

اسناد دیگری که به درگیر بودن آقارضا در امور سیاسی و دیپلماتیک اشاره دارند: «... [پس از نوشتن نامه‌ای از سوی ناصرالدین شاه به بیسمارک صدراعظم آلمان برای گسترش روابط دو دولت] ... از سوی فردریک گیوم اول امپراتور آلمان و پادشاه پروس یکی دیپلمات آلمانی به نام برانشویگ به عنوان وزیر مختار و اینچی مخصوص موقت در ایران برگزیده شد و امپراتور آلمان در یکم ذیقعد ۱۳۰۱ هـ. ق / ۱۸۸۴ م نامه‌ای برای ناصرالدین شاه نوشت که بیسمارک نیز زیر نامه را امضا کرده بود. امپراتور آلمان نامه را به برانشویگ داد و او همراه هیأتی روانه ایران گردید و در نیمه ذیحجه با همراهان وارد بندراترزی شد و از سوی میرزا رضاخان آجودان مخصوص [آقارضا] که از طرف شاه





با هیأتی برای مهمانداری وزیر مختار آلمان به انزلی آمده بود مورد استقبال قرار گرفت (ولایتی، ۱۳۷۵، ۲۰۱).

«نخستین مجسمه نصب شده در تهران قدیم، مجسمه ناصرالدین شاه سوار بر اسب بود که در باغ شاه گذاشته شد... این مجسمه به دستور اقبال السلطنه وزیر قورخانه و توسط میرزاعلی اکبر معمار ساخته شد» (سعدوندیان، ۱۳۸۰، ۳۲۸). در روزنامه شرف سال ۵، شماره ۵۰، ربيع الثانی ۱۳۰۴ قمری در صفحات ۱ و ۲ در این مورد چنین آمده است:

«بر حسب دستورالعمل جناب اقبال السلطنه وزیر قورخانه مبارکه مجسمه‌ای از تمثال... بندگان اقدس... تقریباً به اندازه جسم و هیكل... مبارک سواره با لباس رسمی ساخته و ریخته‌اند که از حیث صنعت ریخته‌گری و علم نقاشی و تناسب اعضا و دقائق اوستادی در این فن مخصوص مجسمه‌سازی بهتر از آن به تصویر نمایاند، مانند کارهای خوب اساتید اروپا ساخت و حال آن که استادان و صنعتگران این مجسمه تماماً ایرانی هستند» ساخت مجسمه در شعبان ۱۳۰۴ هجری قمری... به پایان رسید، به قول محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات ابتدا قصد داشتند آن را در سر میدان توپخانه بگذارند اما چنین نشد و دو سالی مجسمه در قورخانه بود تا به باغشاه برده شد. سه‌شنبه ۱۰ صفر ۱۳۰۶ هجری قمری را «عید مجسمه» گفتند و بدین مناسبت جشنی برپا داشتند (همان، ۳۲۸) و نیز (قاسمی، ۱۳۷۸، ۱۸۶).

سندی دیگر که با توجه به آن می‌توان ادعا کرد آقارضا در دورانی که وزیر قورخانه بوده به عکاسی کمتر می‌پرداخته به شرح ذیل است: «قورخانه در خیابان سردر الماسیه واقع و سپرده به اقبال السلطنه بود. شاه روزی برای بازدید بدانجا رفت... در باغ قورخانه برای استراحت شاه و همراهانش چند خیمه فراخ دامن افراشته در آن انواع شیرینی و میوه چیده بودند. در سراپرده مخصوص میزی بزرگ در کناری نهاده بیست قبضه تنگ ساخت قورخانه روی آن قرار داده بودند (تفنگ‌های سربازی آن دوران مارتینی بلند و کوتاه و هنری مارتن و رندل بود)... (دوستعلی خان معیرالممالک، ۱۳۶۱، ۳۲۹). واضح است در یک‌چنین روزی با آن همه تشریفات، اگر هم لازم می‌بود، عکسی از شاه در حال بازدید رسمی از قورخانه برداشته شود. عکاسی دیگر نمی‌توانسته وزیر قورخانه باشد.

دوران آموختن عکاسی

آنچه مسلم می‌نماید، آقارضا آموزش عکاسی را نزد فرانسیس کارل‌هیان آغاز کرده است. تاریخ دقیقی از شروع آموزش در دست نیست. برخی محققین ورود کارل‌هیان به تهران را ۱۲۷۴ قمری / ۵۸ - ۱۸۵۷ میلادی می‌دانند: (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۷۷) و (افشار، ۱۳۷۱، بیست و یک) و (قائم مقامی، ۱۳۵۶، ۲۸۲) در حالی که یحیی ذکا، و شهریار عدل ورود کارل‌هیان را اواخر سال ۱۲۷۵ / ۵۹ - ۱۸۵۸ میلادی قید می‌کنند (ذکا، ۱۳۷۶، ۲۶) و (عدل، ۱۳۷۹، ۲۳۱).

از این رو تاریخ احتمالی آغاز تعلیم عکاسی به آقارضا از سوی کارل‌هیان به تاریخ‌های ۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵ قمری بازمی‌گردد.

آنجلو پیه مونتره معتقد است آقارضا در دارالفنون زیر نظر کارل‌هیان به فرا گرفتن فنون عکاسی پرداخته است (piemontese, 1972, 262). دانا استاین نیز به گفته پیه مونتره استناد می‌کند (استاین، ۱۳۶۸، ۲۲).

اقبال یغمایی اعتقاد دارد آقارضا که جوانی مستعد و باهوش بود در مدتی کوتاه فن عکاسی را از مسیو کارل‌هیان به خوبی آموخت:

«... [ناصرالدین شاه] برای این کار [تعلیم بدین فردی ایرانی زیر نظر کارل‌هیان] آقارضا پسر آقا اسمعیل پیشخدمت‌باشی خود را انتخاب کرد. آقا اسمعیل از مقربان دربار شاه و پسرش جوانی باهوش و مستعد بود. آقارضا در مدتی کوتاه فن عکاسی را از مسیو کارل‌هیان به خوبی آموخت...» (یغمایی، ۱۳۴۷، ص ۹۱). «ناصرالدین شاه در سفر اول خود به اروپا... و در سفر دوم... آقارضا را همراه خود برد تا در آنجا هنرش را تکمیل کند. ظاهراً عکاس‌باشی در مدت اقامت در اروپا در فن خویش استادتر شد...» (همان، ۹۲). متأسفانه اقبال یغمایی سند این ادعا را ذکر نکرده و بعدها محققان دیگر را به اشتباه انداخته است: سه نفر از محققان یعنی م. حسن‌بیگی، غلامعلی سرمد و احمد هاشمیان اعتقاد دارند آقارضا در فرانسه نیز به تکمیل فن عکاسی همت گماشته است:

حسن‌بیگی معتقد است آقارضا پیشخدمت (اقبال السلطنه) جزو اولین کسانی بود که پس از ناصرالدین شاه عکاسی را از «مسیو کارل‌هیان» آموخت و در بسیاری از سفرهای شاه همراه او بود و عکس می‌گرفت و در سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگستان نیز مدتی در پاریس ماند

نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و به تکمیل فن عکاسی پرداخت (حسن بیگی، ۱۳۶۲، ۴۳۱).
 غلامعلی سرمد سال اعزام آقارضا را به پاریس ۱۲۹۳ قمری و رشته تحصیلی او را عکاسی ذکر می‌کند و تصریح دارد وی قبل از رفتن به پاریس نزد کارل‌یهان عکاسی آموخته بود (سرمد، ۱۳۷۲، ۲۵۲). احمد (ایرج) هاشمیان در اثر خویش تأکید دارد:
 آقارضا به هنگام سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ ۱۲۹۰ ه. ق عکاس‌یاشی و در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ ۱۲۹۵ ه. ق آجودان مخصوص و خازن صرف جیب شاه بود. پیش از آن وی در سال ۱۲۹۳ مدتی در فرانسه به تکمیل فن و عکاسی پرداخت و به عنوان عکاسی شخص شاه درآمد... (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۸۱).
 بایستی در این ادعا یعنی اعزام آقارضا به پاریس یا مگدن وی در آن‌جا پس از سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ که در ۱۲۹۵ قمری انجام شد، تردید جدی کرد. چرا که سند غلامعلی سرمد در اثر خویش کتاب تهران قدیم م. حسن بیگی بوده است (سرمد، ۱۳۷۲، ۲۵۲).

احمد هاشمیان در این خصوص یعنی اعزام آقارضا به پاریس به کتاب غلامعلی سرمد استناد کرده نموده است.
 از طرف دیگر متأسفانه حسن بیگی در کتاب خویش در مورد این ادعا، ذکر مآخذ نکرده و تنها در ابتدای فصل «ورود دوربین عکاسی و فیلمبرداری به تهران» اشاره دارد که این فصل از کتاب را بر اساس یادداشت‌های افشین شاه‌رودی - عکاس و روزنامه‌نویس - نگاشته است. (۲)
 صاحب این قلم که با توجه به بضاعت خویش تا حد امکان تمامی اسناد و مدارک مربوط به آقارضا در منابع مختلف را دیده یا شک و تردید فراوان به این ادعا می‌نگرد، حتی در سفرنامه دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ هیچ کجا ذکری از این مقوله مآخذ آقارضا در فرانسه یا تحصیل او در پاریس نشده است.
 با تأسف بسیار باید گفت، ادعایی مجعول (اولین بار مطرح شده از سوی اقبال یغمائی) بدون کنکاش و بررسی مستدل مؤلف در ۱۳۶۲ هجری شمسی در کتاب تهران قدیم چاپ می‌شود. آن‌گاه محقق دوم البته با عذر تقصیر کمتر، عیناً مورد ادعای مجعول را البته با ذکر منبع مورد استناد در کتاب خویش (اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه چاپ ۱۳۷۲ شمسی) می‌آورد. سپس محقق سوم علی‌القاعده کاملاً بی‌گناه و بی‌تقصیر ناخواسته وارد این سیر ناصواب شده مطلب نادرستی را که حالا منبع و مآخذ قابل ذکری هم یافته در اثر خود می‌آورد (تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه چاپ ۱۳۷۹ شمسی). بدین ترتیب یک قول مجعول، ضعیف یا نادرست زنجیروار تکرار می‌شود و رفته رفته صورت یقینی و مستند می‌یابد!

فرآیندهای عکاسی و تکنیک‌های چاپ آقارضا
 اولین روش عملی عکاسی در جهان هلیوگرافی (۳) بود که به سال ۱۸۳۸-۱۸۳۷ ق / ۱۸۲۲ توسط نیسه فورنپس (۴) ابداع شد. مدت زمان نوردهی به صفحه حساس فلزی که روی آن ترکیباتی از مومیا و قیر بود، برابر با ۸ ساعت بود. روش عملی و بهتر بعدی داگروتیپ (۵) بود و در سال ۵۵ - ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۹ از سوی لوئی داگر (۶) به جهانیان معرفی شد. مدت زمان نوردهی به صفحه حساس فلزی داگر که روی آن ترکیبات نقره وجود داشت چیزی در حدود ۲۰ دقیقه بود. هر دو این روش‌ها تنها تصویری یگانه و مثبت به دست می‌دادند و امکان تکثیر تصویر وجود نداشت. روش بعدی که امکان تهیه نسخه‌های متعدد از یک تصویر را فراهم می‌آورد کالوتیپ (۷) بود که به سال ۵۶ - ۱۲۵۵ ق / ۱۸۴۰ از سوی فاکس تالبوت (۸) معرفی شد. تصویر حاصله از روش کالوتیپ بر روی کاغذ حساس آغشته به ترکیبات نقره پدید می‌آمد و منفی بود. از روی نسخه منفی برای دست یافتن به عکس مثبت کنکاش تهیه می‌شد و این یعنی قابلیت تکثیر عکس (ستاری، ۱۳۷۴، ۶).
 هلیوگرافی در جهان عمومیتی نیافت. روش داگروتیپ در ایران اواخر سلطنت محمدشاه انجام شد (عدل، ۱۳۷۹، ۵۹).
 در یادداشت‌های بر جای مانده از ژول ریشار فرانسوی نیز به عکس برداشتن از محمدشاه ناصرالدین میرزا ولیعهد و حاجی میرزا آقاسی به شیوه داگروتیپ اشاراتی شده است (تقفی، ۱۳۲۲، ۴۷ - ۴۲).
 هیچ کدام از عکس‌های تهیه شد به روش داگروتیپ تاکنون در ایران یافته نشده‌اند. از عکس‌های فراهم یافته به شیوه کالوتیپ در ایران چندین نمونه وجود دارد که اثر لوئیجی پشه افسر اهل ایتالیا است و در آلبومی در آرشیو عکس موزه ملی هنرهای آسیایی

گیمه در پاریس نگهداری می‌شود (شیخ، ۱۳۸۲، ۹).
 سال عکاسی به شیوه داگروتیپ در ایران ۱۲۵۸ ق / ۱۸۴۲ و عکاس آن نیکلای پاولف روسی است (عدل، ۱۳۷۹، ۱).
 عکاسی کالوتیپ در ایران به سال ۷۵ - ۱۲۷۴ ق / ۱۸۵۸ باز می‌گردد. از این پس با ورود شیوه عکاسی روی شیشه آغشته به ترکیبات نقره که با کلودیون بر سطح شیشه چسبیده می‌شود و به شیوه کلودیون‌تر معروف بود در ایران تا سال‌های متمادی عکس‌ها به همین طریق برداشته شدند. وضوح عکس‌ها در این شیوه بسیار بیشتر از روش کالوتیپ است.
 فکتی ایتالیایی اولین بار روش کلودیون‌تر را به سال ۶۸ - ۱۲۶۷ ق / ۱۸۵۱ به ایران می‌آورد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۲۳).
 فرانسوا کارل‌یهان فرانسوی از اواخر سال ۷۵ - ۱۲۷۴ ق / ۱۸۵۸ که به ایران آمد این روش را در ایران آموزش داده شایع ساخت (عدل، ۱۳۷۹، ۲۳۱). آقارضا عکاس‌باشی از اولین شاگردان کارل‌یهان بود و با روش عکاسی بر روی شیشه کلودیون‌تر آشنایی پیدا کرد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷) و نیز (عدل، ۱۳۷۹، ۲۳۱). هنگامی که آقارضا به روش کلودیون‌تر عکاسی می‌کرد ۱۷ ساله بود (عدل، ۱۳۷۹، ۲۳۱).

دست‌نوشته‌های ناصرالدین‌شاه در مورد شیوه کلودیون‌تر که از روی نسخه متعلق به آقارضا عکاس‌باشی نوشته بهترین گواه است (افشار، ۱۳۷۱، ۸۵).

پی‌نوشت‌ها:
 ۱- روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۵۲ طهران، چاپ سنگی، ذیل وقایع سال ۱۲۸۰ قمری پنجشنبه ۱۲ رجب‌المحرم (قلمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۹۲۸) و مرآت‌البلدان، ص ۲۰ (ذکاء، ۱۳۷۶، ۲۷).
 ۲- به احتمال لوی مآخذ افشین شاه‌رودی این مقاله بوده است.
 آغاز فن عکاسی و کلیشه‌سازی در ایران اقبال یغمائی، مجله آموزش و پرورش، شماره ۲۸، سال ۱۳۴۷، شماره‌های ۱ و ۲، صفحات ۹۰-۹۲. اما همچنان که در متن اشاره شد اقبال یغمائی برای این ادعا سندی ارائه نکرده است.

3. Heliography
4. Joseph Nicephore Niepce (1785-1833)
5. Daguerreotype
6. Louis Daguerre (1787-1851)
7. Calotype
8. Fox Talbot (1800-1877)

فهرست منابع و مآخذ (کتاب‌ها):

استاین، دانا (۱۳۶۸). س‌آغاز عکاسی در ایران. ترجمه ابراهیم هاشمی، چاپ اول، نشر اسپرک تهران
 افشار، ایرج (۱۳۷۰). گنجینه عکس‌های ایران همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران، چاپ اول، نشر فرهنگ ایران، تهران.
 خفئی خلیل‌خان (۱۳۲۲). مقالات گوناگون، بدون نام ناشر، ج ۱، تهران.
 حسن بیگی م (۱۳۶۶). تهران قدیم، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران.
 سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲). اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)، چاپ اول، چاپ و نشر بنیاد، تهران.
 ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ستاری، محمد (۱۳۸۲). بررسی تطبیق میان آثار آقارضا اقبال‌السلطنه اولین عکس حرفه‌ای در ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان، دانشگاه هنر، جلد اول.
 ستاری، محمد و هراتی، محمد مهدی (۱۳۷۴). عکاسی مقدماتی (۱) و (۲)، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.
 سزنا، کارلا (۱۳۶۳). مردم و دینی‌های ایران، سفرنامه کارلا سزنا، ترجمه غلامرضا سمعی، چاپ اول، نشر نو، تهران.
 سیمپندندان، سیروس (۱۳۸۰). اولین‌های تهران، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 قلمی، سیدفرید (۱۳۷۸). چکیده مطبوعات ایران، ج یک عهد ناصری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
 قلمی، سیدفرید (۱۳۷۸). س‌گذشت مطبوعات ایران، روزگار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، چاپ اول، جلد اول و دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱). یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، چاپ اول، نشر تاریخ ایران، تهران.
 نواب صف‌الاسماعیل (۱۳۶۶). شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله، چاپ اول، کتابفروشی زوار، تهران.
 ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). تاریخ روابط خارجی ایران دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین شاه، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
 هاشمیان، احمد (۱۳۷۹). تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، چاپ اول، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران.

(روزنامه‌ها و مجلات):

روزنامه دولت علیه ایران (۱۲۸۰ قمری، نمره ۵۵۲)، طهران، چاپ سنگی، پنج‌شنبه ۱۲ رجب
 روزنامه شرف (۱۳۰۲ قمری)، سال ۴، ش ۳۳، ذی‌حجه
 شیخ، رضا (۱۳۸۲). آلبوم یادگاری، عکسنامه، سال سوم، ش ۱۱.
 عدل، شهیر (۱۳۷۹). خورهه طلیعه کاوش علمی ایرانیان، طابوس، سال اول، شماره ۳ و ۴.
 قائم مقامی، جهنگیر (۱۳۵۶).
 یغمائی اقبال (۱۳۴۷). آغاز فن عکاسی و کلیشه‌سازی در ایران، مجله آموزش و پرورش.

-Piemontees, Angelo M (1972). The photograph Album of the Italian Diplomatic Mission to persia (summer 1862), from EAST AND WEST, Rome.